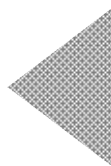


تغییر ساختارهای جمعیتی نیروی کار کشاورزی نقاط روستایی ایران طی دوره ۹۰-۱۳۶۵



علی قاسمی اردهایی^۱

قربان حسینی^۲

ولی‌اله رستمعلی‌زاده^۳

(تاریخ دریافت ۹۵/۷/۸ - تاریخ تصویب ۹۵/۱۱/۲۰)

چکیده

کشاورزی به‌عنوان یکی از سه بخش اقتصادی هر کشور، نقش مهمی در استقلال معیشتی و حتی استقلال امنیتی آن کشور دارد. کشور ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و تاریخ اجتماعی و اقتصادی، وابستگی عمده‌ای به این بخش اقتصادی دارد. یافته‌های به‌دست آمده از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری‌های ۹۰-۱۳۶۵ نشان می‌دهد سهم جمعیت شاغل در بخش کشاورزی مناطق روستایی از ۵۸ درصد در سال ۱۳۶۵ به ترتیب به ۴۸ و ۵۱ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ کاهش یافته است. این روند کاهشی محسوس، توأم با تغییراتی در نسبت جنسی و ساختار سنی نیروی کار کشاورزی بوده است. در سال‌های مورد مطالعه، به سهم زنان روستایی به‌ویژه زنان سالمند در مشارکت در بخش کشاورزی به‌شدت افزوده شده، به‌طوری‌که نسبت جنسی نیروی کار کشاورزی روستائیان از ۱۰۶۲ در سال ۱۳۶۵ به ۶۴۲ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است.

۱ - استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ghasemi33@yahoo.com

۲ - کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی (نویسنده مسئول)، کارشناس پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، ghorban.hosseni@gmail.com

۳ - دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، v.rostamalizadeh@gmail.com

درصد سالخوردگی جمعیت مورد مطالعه نیز در مدت زمان مشابه از حدود ۷ به ۱۶ افزایش داشته است. از مهمترین دلایل این تغییرات می‌توان به تحولات مهاجرتی در مناطق روستایی و سهم عمده جوانان و مردان از مهاجران خارج شده، عدم تمایل جوانان روستایی به انجام فعالیت‌های کشاورزی و هژمونی شهر و سبک زندگی شهری اشاره کرد. ادامه روند این ترکیب جمعیتی در نیروی کار کشاورزی و نیز وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاها، می‌تواند منجر به ضعف ساختاری این بخش در آینده گردد. با توجه به برآورد مقوله‌های نیروی کار کشاورزی برای همه نقاط روستایی استان‌ها، پیشنهاداتی ارائه شده است تا بتوان زنجیره فقر نیروی کار کشاورزی مناطق روستایی را از بین برد و گام‌هایی برای توسعه پایدار روستایی برداشت.

واژگان کلیدی: نقاط روستایی، بخش کشاورزی، نیروی کار کشاورزی، جوانان روستایی، زنان سالمند کشاورز، توسعه پایدار روستا.

مقدمه و بیان مسأله

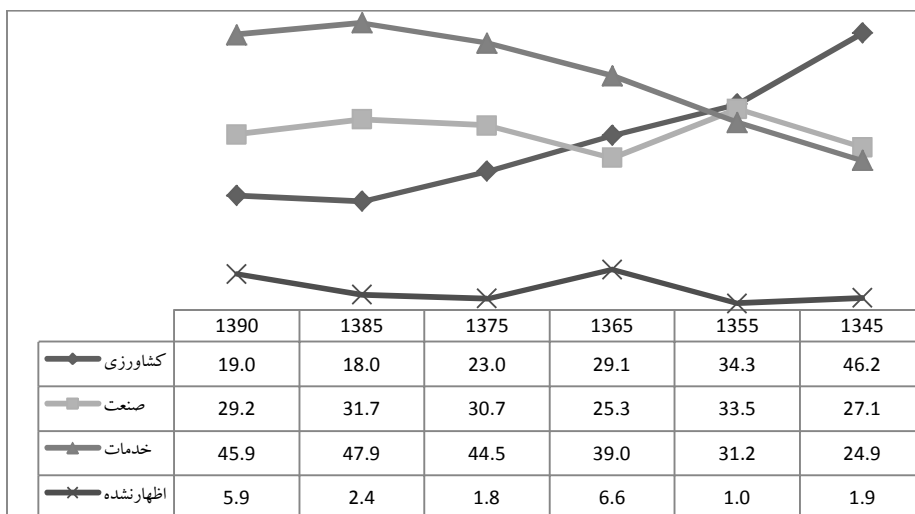
تولید محصولات کشاورزی و کاربرد آنها در تولیدات صنعتی از مهمترین ویژگی‌هایی است که بخش کشاورزی را به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم تولیدی در اقتصاد هر کشوری معرفی می‌نماید. در این بخش اقتصادی، تغییرات کمی و کیفی نیروی انسانی می‌تواند از عوامل مهم تأثیرگذار محسوب گردد. بنابراین، بررسی تغییرات نیروی کار کشاورزی از مسایل مهم و قابل تأمل در حوزه جمعیت‌شناسی (به‌ویژه جمعیت‌شناسی روستایی) می‌باشد.

از جهت تقدم و تأخر زمانی و تاریخی، شیوه‌های تولید صنعتی بعد از تولید کشاورزی ابداع و اجرا شده است و جوامع بشری قرن‌ها و هزاره‌ها تولید کشاورزی را بدون صنعت تجربه کرده‌اند (شاکری، ۱۳۸۳). تأثیر رشد کشاورزی روی دیگر بخش‌های اقتصاد به واسطه پیوندهای مهم بین آنها در به‌کارگیری عوامل تولید از جمله نیروی کار، خیلی مهم است. بنابراین، بخش کشاورزی در کمک به فرایند رشد و توسعه جوامع در بین بخش‌های مختلف اقتصاد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این بخش می‌تواند تأمین‌کننده سهم مهمی از تولید ناخالص داخلی، اشتغال، نیازهای غذایی، صادرات غیرنفتی و غیره باشد. توسعه بخش کشاورزی پیش شرط و نیاز توسعه اقتصادی کشور است و تا زمانی که موانع توسعه در این بخش برطرف نشود، سایر

بخش‌ها نیز به شکوفایی و توسعه دست نخواهند یافت.

واقعیت این است که بخش کشاورزی ایران، دست کم برای تعدیل موضوعی و موقتی بحران اشتغال و بیکاری، از مزیت‌های نسبی برخوردار است. اهم مزیت‌های نسبی بخش کشاورزی در زمینه اشتغال‌زایی و کارآفرینی از این قرار است: ۱- سازگاری توسعه اشتغال کشاورزی با پراکندگی توزیع جمعیت روستایی؛ ۲- اقتصادی‌تر بودن ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی نسبت به صنعت؛ ۳- سهولت بیشتر ادغام بخش کشاورزی در بازارهای جهانی؛ ۴- قابلیت ارتقای کیفی نظام تولید کشاورزی در سطح امکانات موجود کشور؛ ۵- نیاز به نسبت کمتر شاغلان کشاورزی به آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی؛ ۶- نگهداری جمعیت روستایی در روستاها؛ ۷- قابلیت تکاثری کارآفرینی و اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۲). طی سرشماری‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۹۰، سهم شاغلان بخش کشاورزی دارای روندی نزولی بوده است (نمودار ۱). درحالی‌که برای دو بخش دیگر این‌طور نبوده و بخصوص برای خدمات که روند صعودی در گذر زمان داشته است.

نمودار(۱)- نسبت جمعیت شاغل در بخش‌های مختلف اقتصادی طی سرشماری‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۹۰



منبع: (سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ الی ۱۳۹۰)

در کشورهای در حال توسعه، معمولاً بخش کشاورزی گستردگی و اهمیت خاصی دارد. زیرا از یک سو اشتغال‌زاست و از سوی دیگر تأمین‌کننده مواد غذایی برای افراد و مواد اولیه برای صنایع تبدیلی است. بر این اساس، این بخش نقش مهمی در رفاه و بهبود و سطح تغذیه دارد (ابریشمی، ۱۳۷۵). مبحث کشاورزی و رابطه آن با جمعیت، موضوع نوشته‌های صاحب‌نظران جمعیتی معروف همانند مالتوس و بازراپ^۱ است.

مالتوس وضعیت اروپا را در سال ۱۸۰۳ برحسب ویژگی‌های جمعیتی و کشاورزی مورد بررسی قرار داد. از نظر وی، انقلابات نوسنگی و میانی کشاورزی که موجب افزایش تولیدات غذایی شد، روندی بسیار آهسته و تأثیرات محدودی داشته‌اند. زیرا گروه‌های کوچک روستایی نیازمند به تغییرات جمعیت بودند و در آن شرایط به‌علت فراوانی زمین تحقق آن به سادگی امکان‌پذیر بود. در خلال سال‌های ۱۸۵۰-۱۷۴۰م تغییراتی در وضعیت جمعیتی و کشاورزی اروپا و مستعمرات آنها بوجود آمد. در واقع بهتر شدن وضعیت بهداشتی و تغذیه و سازمان اجتماعی، مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های واگیر را به‌شدت کاهش دادند و جمعیت با رشد سالانه معادل یک درصد به‌صورت بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. ولی پیشرفت‌های تکنولوژی در زمینه تولیدات کشاورزی نمود چندانی نداشتند و در این شرایط بود که مالتوس به تحلیل اثرات مخرب افزایش جمعیت بر استانداردهای زندگی و افزایش فقر و بدبختی پرداخت (ابراهیم‌پور، ۱۳۸۲: ۶۰ و ۶۱). بازراپ معتقد است رشد جمعیت و تمرکز فضایی و تراکم جمعیت موجب پیشرفت تکنولوژی و عامل مؤثر بر عمقی شدن کشت و افزایش تولیدات کشاورزی در واحد سطح است. به نظر وی در اوایل دوره زیست بشری، جمعیت‌های انسانی محدود و پراکنده بوده و از رشد ناچیزی برخوردار بودند. آنها از طریق خوشه‌چینی، صید و شکار امرار معاش می‌کردند که با سبک زندگی در مراحل بعدی متفاوت بوده است. با افزایش و تراکم جمعیت، تعداد جمعیت از سطح معیشت زیستی فراتر می‌رفت و جمعیت در کوتاه‌مدت دچار بحران‌های غذایی می‌شدند و تأمین نیازهای غذایی موجب پیشرفت تکنولوژی و نوآوری در بهره‌برداری از زمین می‌شد. بنابراین از نظر بازراپ؛ افزایش و تراکم جمعیت، دسترسی به غذا و تکنولوژی و نوآوری، با عمقی شدن کشت همبستگی دارند (بازراپ، ۱۹۹۵: ۲۷۶). با در نظر گرفتن موارد بیان شده، اهمیت بخش

کشاورزی و تحقیق و پژوهش جمعیت‌شناختی در این بخش مشخص‌تر می‌گردد. در این مقاله سعی بر آن است تا تحولات جمعیتی نیروی شاغل در بخش کشاورزی نقاط روستایی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد تا از این طریق بتوان تحلیل‌های واقع‌بینانه و مستندتری برای برنامه‌ریزان و مدیران نیروی کار کشاورزی ارائه نمود.

مبانی نظری و تجربی تحقیق

در اواخر دوره مَرکانتلیست‌ها بخصوص در کشور فرانسه سیاست مَرکانتلیستی مؤثر واقع نشد. مَرکانتلیست‌ها با تأکید زیاد بر صنعت، بخشی از اقتصاد (کشاورزی و حاصلخیزی زمین) را نادیده گرفتند. بعد از سال ۱۷۵۰ برخی از نویسندگان ایده‌های مَرکانتلیستی را رها کرده و با این ایده که قدرت دولت هدف است، مخالفت ورزیدند. آنها بر کیفیت زندگی و جدایی تئوری‌های اقتصادی از سیاست‌های عملی تأکید داشتند (هاچینسون^۱، ۱۹۶۷). فیزیوکرات‌ها تنها راه کاهش بار جمعیت بر ذخیره غذایی را افزایش بازده کشاورزی می‌دانستند و به تکمیل روش‌های کشاورزی و جلوگیری از محدودیت‌های صادرات تولیدات کشاورزی تأکید می‌کردند.

تنها حاصل تفریق زیادی ثروت تولید شده بر ثروت مصرف شده افزایش واقعی به‌شمار می‌آید و این همان است که فیزیوکرات‌ها به اصطلاح خود و پس از آنها دیگران آنرا «محصول خالص» نامیده‌اند. فیزیوکرات‌ها در این باب به این کشف رسیده‌اند که ایجاد محصول خالص منحصر به یک رشته از امور تولیدی یعنی رشته کشاورزی است. به عقیده آنها تنها و منحصرأ در این قلمرو ثروت تولید شده، بر ثروت مصرف گردیده فزونی پیدا می‌کند. دهقان همواره، صرف‌نظر از موارد اتفاقی و استثنایی، بیش از مقدار گندمی که به مصرف می‌رساند، برداشت می‌کند. تنها به‌علت همین خاصیت شگفت‌آور تولید کشاورزی یعنی ایجاد محصول خالص است که پس‌انداز امکان وجود یافته و تمدن تحقق‌پذیر شده است. این معجزه در هیچیک از قلمروهای دیگر تولید، نه تجارت و نه در حمل و نقل دیده نمی‌شود. زیرا بسیار روشن است که بازرگانان و یا متصدی حمل‌ونقل چیز تازه‌ای تولید نمی‌کنند. چه آنها جز جابجا کردن و یا مبادله نمودن

محصولاتی که قبلاً تولید شده است، کار دیگری انجام نمی‌دهند. همچنین است در مورد همه صنایع و حرف، زیرا کار صنعتگر هم چیزی جز تغییر و ترکیب و تلفیق مواد اولیه نیست (ژید و ریست، ۱۳۴۷: ۱۹).

کار جز بر روی زمین، در هر جای دیگر مطلقاً عقیم و نازا است، زیرا انسان خالق نیست. صورت‌ها و شکل‌ها که صنعتگران به مواد اولیه می‌بخشند، نیکو و دلپسند است، ولی لازم است قبل از کار آنها کسانی دیگر اولاً، همه مواد اولیه لازم و ثانیاً، تمام مواد غذایی را تولید کرده باشند. برعکس، کشاورزان نخستین و تنها کسانی هستند آنچه را که به کار می‌برند، آنچه را که خود به مصرف می‌رسانند و تمام آنچه را که دیگران مصرف می‌کنند، تولید می‌نمایند. این است تفاوت بین زاینده و نازا. به همین جهت، فیزیوکرات‌ها صنعتگران را «طبقه عقیم» می‌نامیدند. با این حال نباید تصور کرد که این توصیف در فکر آنها متضمن نوعی تحقیر نسبت به بازرگانان و صنعتگران است. آنها تنها به این معنی غیرمولد هستند که ثروت جدیدی به وجود نمی‌آورند (ژید و ریست، ۱۳۴۷: ۲۰). پس فیزیوکرات‌ها معتقدند که گرچه صنعت‌گران و بازرگانان پول به دست می‌آورند و حتی بیشتر از کشاورزان، ولی این عواید را صنعت‌گران تولید نمی‌کنند بلکه تحصیل می‌کنند. این ثروتی است که به وسیله دیگران بخصوص کشاورزان به آنها منتقل می‌شود.

این تفاوت اساسی که فیزیوکرات‌ها بین تولید کشاورزی و تولید صنعتی قایل شده‌اند، مسلماً از افکار مذهبی سرچشمه گرفته است. محصول زمین صنع پروردگار است و تنها اوست که آفریننده است، در صورتی که محصول حرفه‌ها صنعت آدمیان است و در قدرت انسان نیست که کوچکترین چیزی خلق کند (ژید و ریست، ۱۳۴۷: ۲۳). فیزیوکرات‌ها معتقد به تجارت آزاد بودند. این مفهوم به وسیله آدام اسمیت رواج یافت. نگرش وی این بود که اگر به مردم اجازه داده شود بر طبق منافع خود عمل کنند، آنچه مردم تولید می‌کنند برای اجتماع به عنوان کل بهتر است. وی متفاوت از فیزیوکرات‌ها است اما معتقد است که ثروت از نیروی کاری که در زمین به کار می‌رود ناشی می‌شود (هاتچینسون، ۱۹۶۷). جمعیت مانند کالا و اجناس ممکن است زیاد و متراکم و یا کم و غیر کافی باشد، سیر آن در جامعه به چه ترتیب منظم می‌شود؟ اسمیت در پاسخ می‌گوید، بنا بر تقاضای جامعه و به این کیفیت که در طبقات توده مردم معمولاً خانواده‌ها اولاد زیاد دارند. هر گاه مردها کم باشد فقر و مسکنت بسیاری از آنها را از بین می‌برد. ولی برعکس، بالا بودن مردها موجب حفظ اکثر آنها می‌گردد (ژید و ریست ۱۳۴۷: ۱۲۵). کانتیلون نیز به عنوان

یکی دیگر از فیزیوکرات‌ها معتقد است زمین عامل اصلی تعیین کننده ثروت بوده و جمعیت به وسیله مقدار معیشت محدود خواهد شد و تعداد ساکنین بستگی به امکانات معیشت دارد. اگر امکانات معیشت فراوان و نامحدود باشد، انسان‌ها نیز همانند موش‌هایی که در یک انبار گندم به سر می‌برند، تولید نسل خواهند کرد (کلمن^۱، ۱۹۸۶). ملاحظه می‌شود که در میان فیزیوکرات‌ها، کشاورزی و نیروی انسانی شاغل در این بخش اهمیت بسیار زیادی داشته و مبنای تحولات جمعیتی و شکل‌گیری قدرت سیاسی یک کشور بوده است.

کریمی هسینیجه و عابدی (۱۳۸۶) مطالعه‌ای را تحت عنوان «مهاجرت و تغییر در بهره‌وری بخش کشاورزی» انجام داده‌اند. آنها با استفاده از منابع آماری داخل کشور در پی آن بودند که مشخص نمایند تحولات جمعیت روستاها در ایران، خصوصاً مهاجرت روستائیان به شهرها چه تأثیری بر تولید و بهره‌وری بخش کشاورزی خواهد داشت. دوره زمانی مورد استفاده سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ را پوشش می‌دهد. نتایج نشان داد که یک درصد افزایش در زمین‌های قابل کشت در بخش کشاورزی، مهاجرت را به میزان ۰/۰۴۴ درصد کاهش می‌دهد. یک درصد افزایش سرمایه انسانی در بخش کشاورزی باعث افزایش تولید به میزان ۰/۴۵ درصد در بخش کشاورزی می‌شود و ۰/۴۵ درصد افزایش در بهره‌وری بخش کشاورزی، مهاجرت از روستا به شهر را به میزان ۱/۰۲ درصد کاهش می‌دهد. به‌منظور یک درصد کاهش در میزان مهاجرت از روستا به شهر باید تولید بخش کشاورزی به میزان ۲۲/۸ درصد افزایش یابد.

زاهدی مازندرانی (۱۳۸۳) در مقاله «ضرورت‌های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی» مجموعه متغیرهای مؤثر در فرایند اشتغال کشاورزی را در قالب چهار حوزه (خرده نظام) به شرح ذیل مورد بررسی قرار داده است: ۱- حوزه ساختار محیطی و عوامل طبیعی مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی در بخش کشاورزی؛ ۲- حوزه ساختار اجرایی و مدیریتی مشتمل بر مقررات حقوقی، مهارت‌های نیروی انسانی و روابط نیروی کار؛ ۳- حوزه جامعه‌ای مشتمل بر جمعیت روستایی و شرایط زندگی و کار در بخش کشاورزی؛ ۴- حوزه فرهنگی شامل نگرش عمومی مردم به فعالیت‌های کشاورزی.

یافته‌های رمضانیان (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران در مقایسه

با سایر بخش‌ها سالخورده‌تر است که در صورت تداوم روند این سالخوردگی وضعیت بخش کشاورزی در آینده نگران کننده خواهد شد. یافته‌های تحقیق وی نشان داده است که مهاجرت‌های روستا به شهر از مهمترین دلایل سالخوردگی شاغلان بخش کشاورزی است. ماهر (۱۳۷۹) اشتغال بخش کشاورزی را از منظر مسائل و تغییرات منابع انسانی با توجه به واقعیت‌های موجود، تحلیل و ارزیابی کرده است. وی ضمن بررسی پدیده سالخوردگی در بخش، ناتوانی در جذب نیروهای متخصص را - به عنوان چالش اساسی کشاورزی در دهه جاری - مورد تأمل قرار داده است. قاسمی اردهایی و نوبخت (۱۳۹۰) براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ پویایی شاخص‌های میزان فعالیت و میزان بیکاری (اشتغال) مردان و زنان در نقاط شهری و روستایی را برحسب گروه‌های سنی و سطوح تحصیلی مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد در طی شش سرشماری، درصد شاغلان ۳/۴ برابر و درصد بیکاران ۱۸/۸ برابر افزایش داشته است. این نتایج و همچنین برآورد شاغلان و بیکاران تا سال ۱۴۰۰ نشان‌دهنده بدتر شدن وضعیت نیروی کار در ایران است، این در حالی است که ایران از لحاظ نیروی انسانی بالقوه فعال، ایده‌آل‌ترین وضعیت را می‌گذراند. اصلاحات ارضی، خشک‌سالی، قیمت نفت، جنگ، انقلاب و جایگاه روستا در برنامه‌های توسعه‌ای، از جمله عواملی هستند که میزان اشتغال (بیکاری) نقاط شهری و روستایی را به‌طور جداگانه تحت تأثیر قرار داده‌اند. در تمایز جنسیتی بازار کار نیز عواملی همانند پایین بودن سرمایه انسانی زنان، بالا بودن تقاضای کار از سوی مردان، ازدواج، حاملگی و پرورش کودک مؤثر بوده‌اند. در نقاط روستایی نسبت به شهری، شدت بیکاری از سنین پایین‌تری (تقریباً از همان ۱۰ سالگی) شروع شده و بیکاران زن نیز نسبت به مرد بیشتر در گروه‌های سنی جوان متمرکزند.

اسکلدون و همکارانش^۱ (۱۹۹۹) تحقیقی را تحت عنوان «سالخوردگی جمعیت‌های روستایی در جنوب شرق و شرق آسیا» انجام داده‌اند. در این تحقیق ۱۳ کشور جنوب شرق و شرق آسیا مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نسبت جمعیت بالای ۶۰ سال شرق و جنوب شرق آسیا در سال ۲۰۰۰ به ترتیب ۱۱ و ۷/۲ درصد برآورد شده است، نسبت‌هایی که در سال ۱۹۶۰ به ترتیب ۷/۳ و ۵/۳ بوده است. این مطالعه تأکید دارد که سازوکار اصلی افزایش

جمعیت سالخورده در جهان، کاهش پایدار و ثابتی است که در چند دهه گذشته در باروری پدید آمده است. با این حال این عامل نمی‌تواند تنها عامل سالخوردگی جمعیت مناطق مورد مطالعه باشد و علاوه بر کاهش باروری، عامل مهاجرت نیز تأثیر به‌سزایی در سالخورده شدن جمعیت مناطق روستایی این کشورها داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت مهمترین عامل سالخورده شدن جمعیت‌های روستایی است، چون اغلب مهاجران را جوانان تشکیل می‌دهند و غالباً آنها هستند که تمایل به ترک روستا و اقامت در شهرها را دارند. مارکوکس^۱ (۲۰۰۱؛ ۱۹۹۴) در مطالعات خود به این نتیجه رسید که علاوه بر کاهش باروری و افزایش امید زندگی، مهاجرت‌های روستایی نقش تعیین‌کننده‌ای در سالخوردگی جمعیت مناطق روستایی دارد. "زنانه شدن نیروی کار کشاورزی و موقعیت خانگی زنان: شواهدی از خانوارهای کارگر در هند" مطالعه‌ای است که گری‌کی‌پتی^۲ (۲۰۰۶) انجام داده است. سؤال اساسی مطالعه این است که آیا زنانه‌شدن نیروی کار کشاورزی، افزایشی را در وضعیت خانواری زنان نتیجه داده است؟ در این مطالعه روابط بین زنانه شدن نیروی کار کشاورزی و روابط جنسی در هند بررسی شده و بر بالا رفتن سهم دستمزد کشاورزی زنان نسبت به مردان تمرکز شده است. روندی که در سرتاسر مناطق هند مخصوصاً در جنوب و شمال هند اتفاق افتاده است. همچنین فرایند زنانه شدن به‌عنوان پیوستاری از نبرد طبقه‌ای است که با توجه به روابط ملکی در هند تسلط دارد.

داده‌ها و روش تحقیق

در همه سرشماری‌های صورت گرفته، حدود دو سوم داده‌ها (جداول) مربوط به نیروی کار است. روش تحقیق، تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ است. لازم به ذکر است تمامی مقوله‌های به کار گرفته شده براساس تعاریف و طبقه‌بندی مطرح شده در سرشماری ۱۳۹۰ استاندارد شده‌اند. موارد اظهار نشده و وضعیت نامشخص از داده‌ها حذف گردیده و درصد معتبر داده‌ها گزارش شده‌اند. مقوله‌های مهم عبارتند از:

شاغل در بخش کشاورزی: شاغلان ۱۰ساله و بیشتر در گروه‌های عمده فعالیت کشاورزی

۱- Marcoux

۲- Garikipati

(زراعت، باغداری و پرورش دام و طیور)، شکار، جنگل‌داری و ماهی‌گیری.
نسبت شاغلین بخش کشاورزی مناطق روستایی: نسبت جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر در بخش کشاورزی نقاط روستایی به جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط روستایی.
نسبت سالخوردگی نیروی کار کشاورزی: نسبت جمعیت شاغل ۶۵ ساله و بیشتر در بخش کشاورزی به جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر بخش کشاورزی.
نسبت جنسی نیروی کار کشاورزی: نسبت مردان شاغل در بخش کشاورزی به تعداد زنان شاغل همان بخش ضریب ۱۰۰. هر چقدر نتیجه این کسر بزرگتر باشد نشان می‌دهد که سهم مردان در نیروی کار بیشتر از زنان است و برعکس.

یافته‌های تحقیق

اطلاعات مربوط به جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر نقاط روستایی، جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر بخش کشاورزی در نقاط روستایی و جمعیت شاغل ۶۵ ساله و بیشتر در بخش کشاورزی نقاط روستایی برحسب جنس و به تفکیک استان‌های کشور در سرشماری‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به صورت جامع در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول (۱) - شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بخش کشاورزی نقاط روستایی
بر حسب جنس و به تفکیک استان‌ها در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

استان	سرشماری ۱۳۷۵				سرشماری ۱۳۶۵					
	جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط روستایی		جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط روستایی		جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط روستایی		جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط روستایی			
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن		
آذربایجان شرقی	۳۸۹۹۹۹	۱۸۹۲۱۲	۱۵۴۴۲	۲۴۹۳۰	۷۰۸	۴۵۳۶۳۲	۲۴۶۷۵۶	۷۱۳۴	۱۷۸۵۰	۲۲۷
آذربایجان غربی	۳۱۷۴۴۱	۱۷۱۰۰۱	۱۵۵۲۸	۱۸۷۷۱	۷۲۹	۲۴۵۸۱۲	۱۵۵۷۷۵	۶۶۳۷	۸۷۱۸	۱۴۷
اردبیل	۱۳۷۱۹۴	۷۸۹۸۶	۶۸۰۲	۱۰۵۱۷	۳۷۸	-	-	-	-	-
اصفهان	۲۹۳۷۵۶	۹۴۹۶۵	۲۰۷۸	۱۵۰۵۳	۳۸۴	۲۸۴۵۹۸	۱۱۱۵۵۹	۳۱۹۷	۱۰۸۹۵	۳۹۸
ایلام	۳۸۰۳۳	۱۹۵۲۲	۱۲۳۵	۲۳۲۵	۵۰	۳۶۶۴۰	۲۲۴۸۵	۲۳۸	۱۶۶۲	۷
بوشهر	۶۱۷۵۰	۱۹۵۰۷	۸۶۹	۲۱۸۶	۳۸	۴۷۰۰۰	۱۵۴۹۱	۲۱۲	۸۵۵	۸
تهران	۴۹۶۲۴۴	۹۰۳۳۵	۴۷۳۸	۱۲۵۱۰	۳۹۷	۲۶۳۷۵۹	۶۷۶۴۰	۱۶۳۶	۷۱۵۶	۱۲۱
چهارمحال و بختیاری	۱۰۱۵۱۷	۳۱۷۰۲	۶۳۲	۴۹۲۸	۳۴	۷۱۶۵۴	۳۵۴۴۴	۳۶۹	۲۱۲۸	۷
خراسان	۷۱۶۸۴۷	۳۶۰۸۳۸	۴۳۴۳۷	۴۸۸۰۶	۲۸۳۹	۶۶۱۵۶۹	۳۶۰۰۷۲	۲۲۸۳۷	۲۷۵۵۳	۸۵۵
خوزستان	۲۵۸۴۹۳	۱۰۷۴۷۱	۸۱۲۵	۷۷۹۶	۱۷۶	۱۸۳۶۳۲	۹۵۲۹۵	۳۳۰۰	۴۹۴۹	۵۷
زنجان	۱۳۱۳۴۹	۸۶۹۷۰	۱۵۵۳	۱۰۷۱۰	۱۲۴	۱۹۵۴۱۱	۱۳۳۳۰۷	۲۰۳۵	۱۰۳۰۷	۱۳۴
سمنان	۴۴۹۶۹	۱۷۸۱۱	۱۱۶۶	۳۰۴۱	۹۳	۳۹۱۳۸	۱۸۵۰۴	۲۷۷	۲۱۸۰	۲۰
سیستان و بلوچستان	۱۶۱۷۰۵	۹۰۳۳۴	۱۷۰۰	۹۰۵۵	۱۲۱	۱۱۲۸۱۴	۸۰۳۲۸	۹۱۳	۷۰۵۶	۶۰
فارس	۳۶۶۲۹۲	۱۵۹۰۰۰	۷۴۰۷	۱۸۳۷۴	۲۹۶	۲۹۵۲۴۶	۱۴۶۴۱۵	۲۲۹۹	۷۵۰۹	۶۳
قم	۲۲۰۵۳	۹۸۰۰	۲۳۳	۱۴۳۳	۳۴	-	-	-	-	-
کردستان	۱۶۳۹۹۶	۹۴۶۶۵	۳۰۳۰	۱۱۳۶۴	۱۲۳	۱۴۰۴۲۰	۱۰۰۳۰۶	۱۳۰۵	۷۸۵۵	۶۸
کرمان	۱۹۹۸۳۳	۱۰۵۳۰۴	۵۰۸۸	۱۳۴۹۳	۳۸۸	۱۸۴۲۹۵	۹۸۲۹۷	۳۷۱۱	۸۳۲۳	۱۸۹
کرمانشاه	۱۵۶۰۸۱	۷۹۲۷۳	۹۶۵۹	۱۱۱۶۴	۳۵۷	۱۱۵۰۱۵	۶۹۲۷۱	۱۱۲۳	۵۶۴۸	۶۵
کهگیلویه و بویراحمد	۵۷۹۴۱	۲۴۵۵۱	۱۳۷۵	۳۶۰۸	۲۵	۵۰۸۰۷	۳۱۳۹۳	۵۹۸	۱۳۴۹	۸
گیلان	۳۵۳۳۲۲	۱۴۸۹۱۸	۷۶۹۱۱	۳۴۰۳۴	۴۷۵۳	۴۱۴۴۷۸	۱۷۰۲۷۰	۱۳۶۱۸۶	۱۲۹۹۱	۳۷۴۱
لرستان	۱۳۵۵۳۸	۷۵۰۰۱	۱۹۸۱	۹۶۹۶	۱۴۰	۱۲۵۹۷۳	۸۸۲۹۸	۱۱۵۴	۶۶۷۷	۶۰
مازندران	۵۵۶۲۰۲	۲۲۷۰۷۴	۴۸۱۸۰	۳۴۱۲۴	۱۴۹۴	۴۹۳۳۳۷	۲۵۹۷۸۲	۵۵۵۵۱	۱۷۸۳۲	۹۰۸
مرکزی	۱۴۴۵۹۷	۷۲۱۱۲	۱۱۰۰	۱۲۸۶۴	۱۲۵	۱۳۰۱۸۶	۷۸۱۵۴	۷۷۵	۷۷۴۶	۵۵
هرمزگان	۱۰۵۸۶۹	۴۲۷۴۹	۲۰۴۹	۳۹۴۵	۷۶	۲۳۲۷۸	۳۲۲۹۹	۵۱۰	۱۹۱۴	۳۵
همدان	۲۱۳۶۴۶	۱۱۲۳۴۹	۳۰۰۵	۱۴۳۳۷	۱۸۲	۲۰۳۲۴۴	۱۱۲۶۲۷	۱۲۳۶	۹۲۹۸	۷۸
یزد	۶۴۷۶۷	۱۸۷۴۰	۱۹۲۱	۴۳۹۴	۵۰۶	۵۲۵۸۴	۱۷۳۳۵	۸۸۹	۲۵۷۰	۱۱۲
کل کشور	۵۶۳۰۹۴۵	۲۵۷۲۹۹۰	۲۶۸۲۷۴	۳۳۳۱۵۸	۱۴۴۷۰	۴۸۷۰۴۵۲	۲۵۸۰۲۳۳	۲۴۳۰۱۲	۱۹۱۰۲۱	۳۳۱۳

منبع: (سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵)

جدول (۲) - شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بخش کشاورزی نقاط روستایی
بر حسب جنس و به تفکیک استان‌ها در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

استان	سرشماری ۱۳۹۰					سرشماری ۱۳۸۵				
	جمعیت شاغل و بیشتر در ۱۰ ساله و بیشتر بخش کشاورزی در نقاط روستایی		جمعیت شاغل و بیشتر در ۱۰ ساله و بیشتر بخش کشاورزی در نقاط روستایی		جمعیت شاغل و بیشتر در ۱۰ ساله و بیشتر بخش کشاورزی در نقاط روستایی	جمعیت شاغل و بیشتر در ۱۰ ساله و بیشتر بخش کشاورزی در نقاط روستایی		جمعیت شاغل و بیشتر در ۱۰ ساله و بیشتر بخش کشاورزی در نقاط روستایی		
	مرد	زن	مرد	زن		مرد	زن	مرد	زن	
آذربایجان شرقی	۳۷۲۸۲۸	۱۷۴۳۵۸	۱۹۵۹۷	۳۰۴۴۲	۴۳۸۹	۴۳۸۹				
آذربایجان غربی	۳۱۰۵۸۵	۱۶۷۹۹۱	۱۴۹۷۸	۱۹۶۹۵	۲۶۷۳	۲۶۷۳				
اردبیل	۱۳۶۶۵۸	۷۳۳۰۳	۱۳۳۲۱	۱۴۴۹۸	۱۹۸۲	۱۹۸۲				
اصفهان	۲۱۸۸۳۰	۷۵۵۲۲	۸۶۶۸	۱۵۹۹۴	۳۳۵۹	۳۳۵۹				
البرز	۵۸۵۴۵	۱۳۵۵۲	۱۷۸۱	۲۷۶۴	۴۹۸	۴۹۸				
ایلام	۵۳۶۱۸	۲۳۳۲۲	۷۵۰۹	۳۶۳۹	۵۹۱	۵۹۱				
بوشهر	۹۵۲۱۱	۱۹۷۷۵	۳۴۵۲	۲۸۶۱	۵۹۷	۵۹۷				
تهران	۲۳۰۵۱۰	۳۰۹۹۳	۲۵۱۶	۴۴۰۸	۶۴۲	۶۴۲				
چهارمحال و بختیاری	۹۳۶۳۹	۳۲۹۲۳	۴۴۰۳	۵۵۱۵	۹۱۸	۹۱۸				
خراسان رضوی	۴۹۳۸۶۰	۲۳۵۸۸۵	۴۱۱۹۷	۳۷۳۳۸	۶۶۵۱	۶۶۵۱				
خراسان جنوبی	۹۳۰۷۳	۴۴۰۵۸	۱۴۶۸۰	۱۰۵۵۹	۲۹۷۴	۲۹۷۴				
خراسان شمالی	۱۳۲۹۷۸	۵۴۱۴۲	۱۲۹۷۷	۸۴۳۹	۱۶۷۴	۱۶۷۴				
خوزستان	۲۵۵۵۱۵	۱۲۲۸۸۳	۱۴۴۱۷	۱۱۹۳۴	۱۵۸۶	۱۵۸۶				
زنجان	۱۱۷۰۹۹	۶۰۹۹۳	۸۱۵۶	۱۰۰۰۵	۱۲۰۱	۱۲۰۱				
سمنان	۴۳۶۹۷	۱۶۳۸۶	۲۲۸۶	۳۶۳۹	۷۸۶	۷۸۶				
سیستان و بلوچستان	۱۷۳۵۴۴	۹۷۱۲۲	۱۶۷۸۷	۱۱۴۶۱	۲۳۳۹	۲۳۳۹				
فارس	۳۸۳۸۰۹	۱۶۶۷۸۶	۲۲۸۸۷	۲۰۵۱۴	۳۳۴۷	۳۳۴۷				
قزوین	۹۱۷۹۶	۴۴۳۹۴	۴۶۵۷	۸۸۱۶	۱۵۵۵	۱۵۵۵				
قم	۱۵۳۴۷	۷۱۵۹	۵۷۰	۱۶۶۵	۲۶۳	۲۶۳				
کردستان	۱۴۷۴۳۱	۸۳۸۶۸	۹۸۴۴	۱۱۲۳۵	۱۳۴۸	۱۳۴۸				
کرمان	۳۰۸۳۸۰	۱۷۷۹۴۹	۲۹۹۸۶	۱۹۶۳۶	۴۱۱۹	۴۱۱۹				
کرمانشاه	۱۵۴۵۵۳	۸۸۱۸۷	۱۱۰۷۳	۱۳۳۰۲	۱۷۱۹	۱۷۱۹				
کهگیلویه و بویراحمد	۶۹۱۸۱	۲۸۴۳۶	۶۸۱۰	۵۶۹۷	۵۵۷	۵۵۷				
گلستان	۳۳۱۰۵۰	۸۸۶۴۰	۱۴۸۵۵	۹۵۹۹	۱۶۳۲	۱۶۳۲				
گیلان	۳۱۹۶۵۷	۱۴۳۶۵۹	۳۵۴۴۱	۳۱۳۹۰	۷۹۰۷	۷۹۰۷				
لرستان	۱۷۴۴۸۴	۹۲۵۳۵	۱۷۸۷۰	۱۳۵۳۲	۱۷۱۷	۱۷۱۷				
مازندران	۴۳۳۲۶۵	۱۵۴۰۶۰	۲۶۶۰۷	۳۴۷۸۴	۶۹۸۷	۶۹۸۷				
مرکزی	۱۱۰۷۷۱	۵۵۱۱۸	۵۵۱۴	۱۳۳۳۸	۲۱۹۹	۲۱۹۹				
هرمزگان	۱۷۳۶۸۳	۶۵۷۱۸	۱۲۰۳۱	۷۱۱۸	۱۶۷۰	۱۶۷۰				
همدان	۱۹۹۶۰۵	۹۲۳۶۸	۸۵۷۷	۱۷۱۸۵	۳۳۸۶	۳۳۸۶				
یزد	۶۳۳۴۰	۲۱۱۳۳	۴۴۹۵	۳۶۷۱	۱۶۴۷	۱۶۴۷				
کل کشور	۵۷۴۳۹۷	۲۵۵۹۱۸۶	۳۹۸۵۶۲	۴۰۴۵۸۳	۷۱۸۰۳	۷۱۸۰۳				

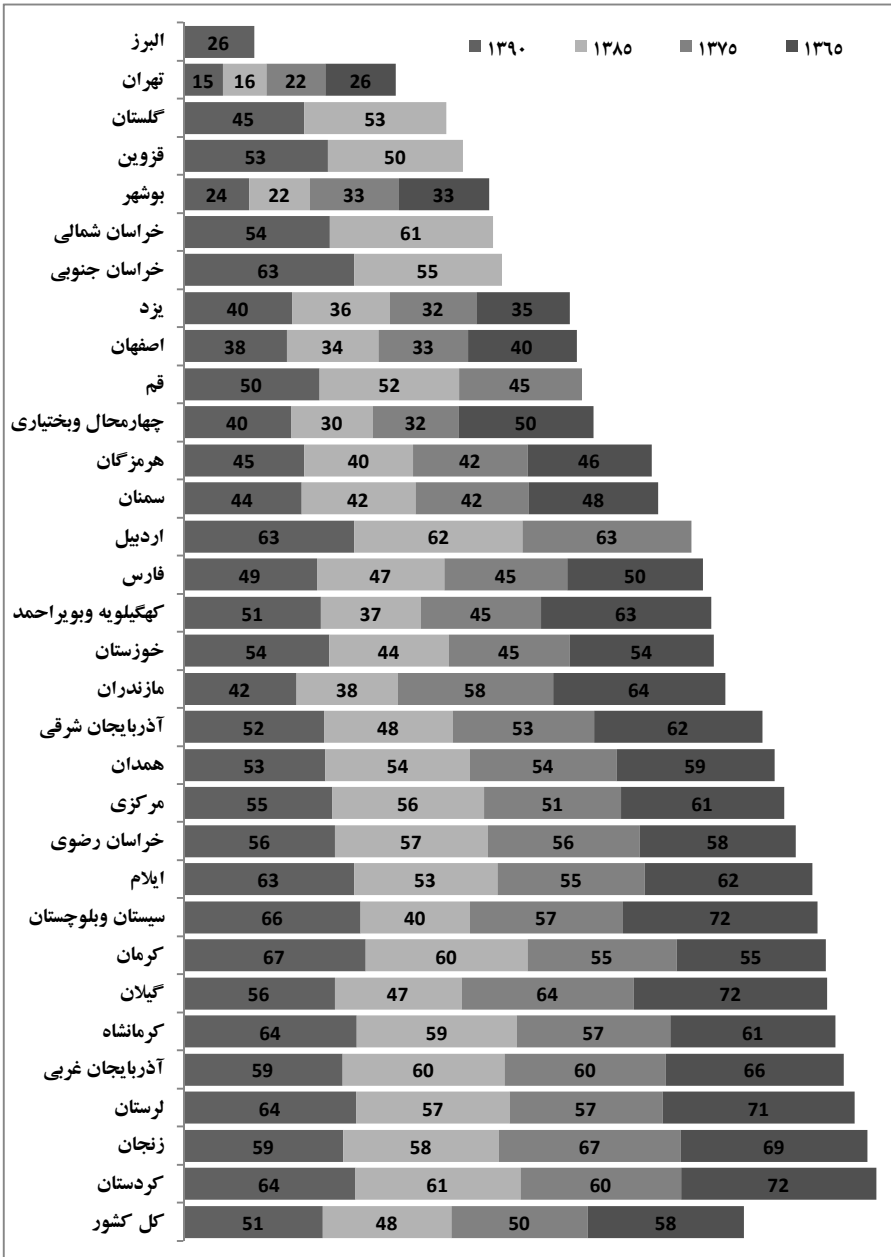
منبع: (سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)

شاغلین بخش کشاورزی مناطق روستایی

در سطح جهانی، در تعریف روستا و معیارهای تشخیص آن از شهر به عوامل زیادی توجه شده است که یکی از مهمترین آن شغل و امرار معاش روستاییان است. براین اساس، روستا به جایی گفته می‌شود که اکثر ساکنان آن به کشاورزی مشغول بوده و از طریق آن امورات خود را می‌گذرانند. با توجه به نمودار ۲ ملاحظه می‌شود در سرشماری ۱۳۶۵ نزدیک ۵۸ درصد جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر نقاط روستایی ایران در بخش کشاورزی مشغول بوده‌اند. نکته قابل توجه کاهش هشت درصدی آن طی سرشماری‌های بعدی است، به طوری که در سرشماری‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ حدود نیمی از جمعیت شاغل نقاط روستایی در بخش کشاورزی بوده‌اند. می‌توان گفت الگوی کاهشی سهم بخش کشاورزی از اقتصاد ایران (نمودار ۱) در نقاط روستایی نیز نمود پیدا کرده است. در طی چهار سرشماری اخیر، کردستان، زنجان، لرستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و گیلان استان‌هایی بودند که به ترتیب، جمعیت شاغل در بخش کشاورزی‌شان سهم بیشتری در جمعیت شاغل روستاهای‌شان داشته‌اند. در مقابل، استان‌های تهران، بوشهر، یزد، اصفهان و قم استان‌هایی‌اند که کمترین این سهم را به خود اختصاص داده‌اند. باتوجه به این نتایج و ملاحظه نقشه ۱، می‌توان گفت استان‌هایی که میزان شهرنشینی بالاتری دارند، درصد کمتری از مردم نقاط روستایی آن نیز به امر کشاورزی پرداخته و بیشتر متأثر از مشاغل شهری (خدمات و صنعت) هستند. با توجه به نقشه ۱، استان‌های یزد، اصفهان، قم، تهران و البرز استان‌هایی با بیشترین درصد شهرنشینی هستند.

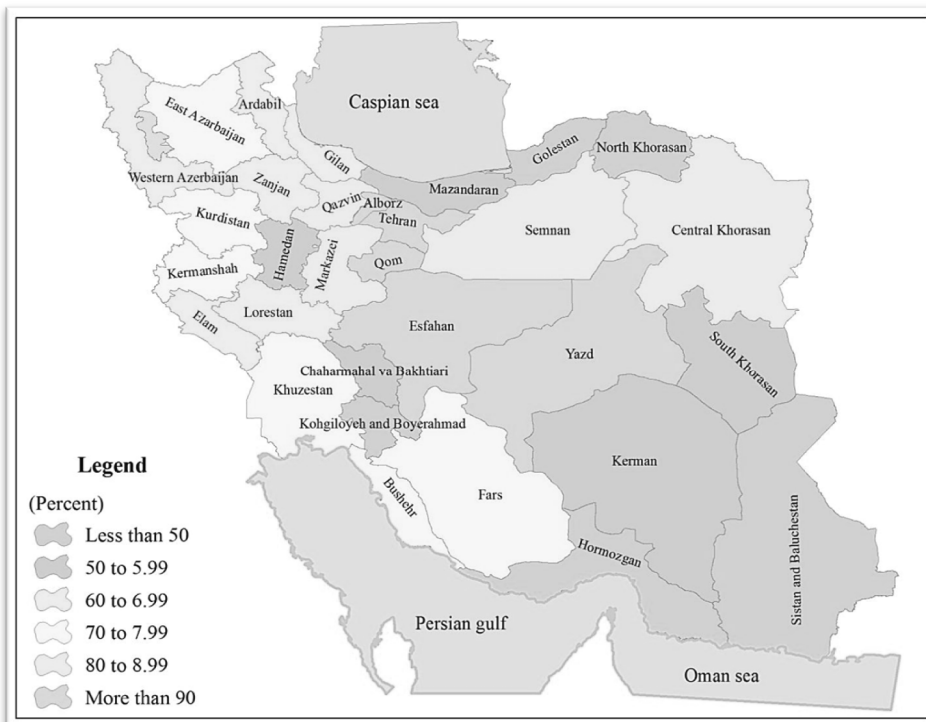
تغییرات (بیشتر کاهش) سهم اشتغال کشاورزی نقاط روستایی استان‌ها طی سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۰ تاحدودی شبیه الگوی کشوری است. بیشترین کاهشی که در این دوره صورت گرفته است به ترتیب مربوط به استان‌های مازندران، گیلان و کهگیلویه و بویر احمد است. استان‌های مهم در بخش کشاورزی ایران که روند کاهشی سهم بخش کشاورزی‌شان می‌تواند تهدیدی بر بخش کشاورزی ملی باشد. کرمان، کرمانشاه و یزد نیز استان‌هایی‌اند که درصد اشتغال کشاورزی در نقاط روستایی‌شان طی سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۰ روند افزایشی داشته است. با دقیق شدن در علل و زمینه‌های این روند کاهشی و افزایشی می‌توان برنامه‌های دقیق‌تر و عملی‌تری برای افزایش سهم بخش کشاورزی در ایران ارایه نمود.

نمودار (۲) - نسبت شاغلین بخش کشاورزی مناطق روستایی ایران طی سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۰



منبع: (محاسبه شده بر اساس داده‌های جداول ۱ و ۲)

نقشه (۱) - درصد شهرنشینی استان‌های ایران در سرشماری ۱۳۹۰



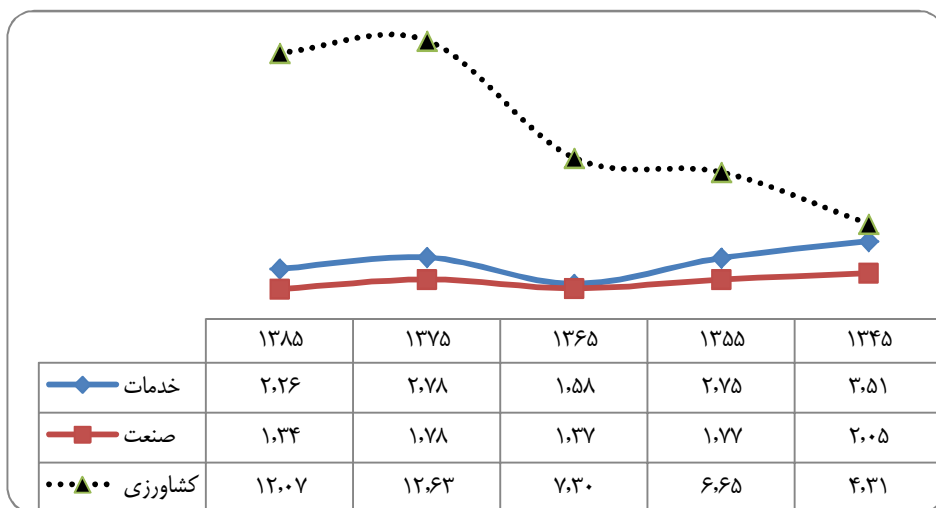
منبع: (قاسمی اردهایی و منافی آذر، ۲۰۱۶: ۸۲۹)

سالخوردگی نیروی کار کشاورزی مناطق روستایی

از لحاظ ترکیب سنی، جمعیت ایران با سرعت بیشتری در حال گذار به سالخوردگی است. این ترکیب سنی سالخورده در همه زیر گروه‌های جمعیتی قابل ملاحظه است. ولی سرعت وقوع این پدیده جمعیتی در بخش کشاورزی نقاط روستایی بیشتر است. درصد جمعیت شاغل ۶۵ ساله و بیشتر بخش کشاورزی ایران در سرشماری‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۵ نشان می‌دهد طی این دوره جمعیت مذکور سالخورده‌تر شده است. درصد آن در سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب برابر ۴/۳۱، ۶/۶۵، ۷/۳۰، ۱۲/۶۳ و ۱۲/۰۷ درصد بوده است. این ارقام روند تدریجی سالخورده شدن جمعیت شاغل در بخش کشاورزی را به خوبی نشان می‌دهد که در نمودار ۳ به تصویر کشیده شده است. این درحالی است که در طی دوره ۴۰ ساله مورد بررسی،

نسبت جمعیت شاغل ۶۵ ساله و بیشتر برای دو بخش دیگر (صنعت و خدمات) همواره کمتر از ۴ درصد بوده است و در اواخر دوره (سرشماری ۱۳۸۵) نسبت به اوایل دوره (سرشماری ۱۳۴۵) روند کاهشی داشته است. ملاحظه می‌شود که سرعت افزایش نسبت شاغلان ۶۵ ساله و بیشتر بخش کشاورزی بسیار بیشتر از صنعت و خدمات است.

نمودار (۳)- نسبت جمعیت شاغل بالای ۶۵ سال بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۵

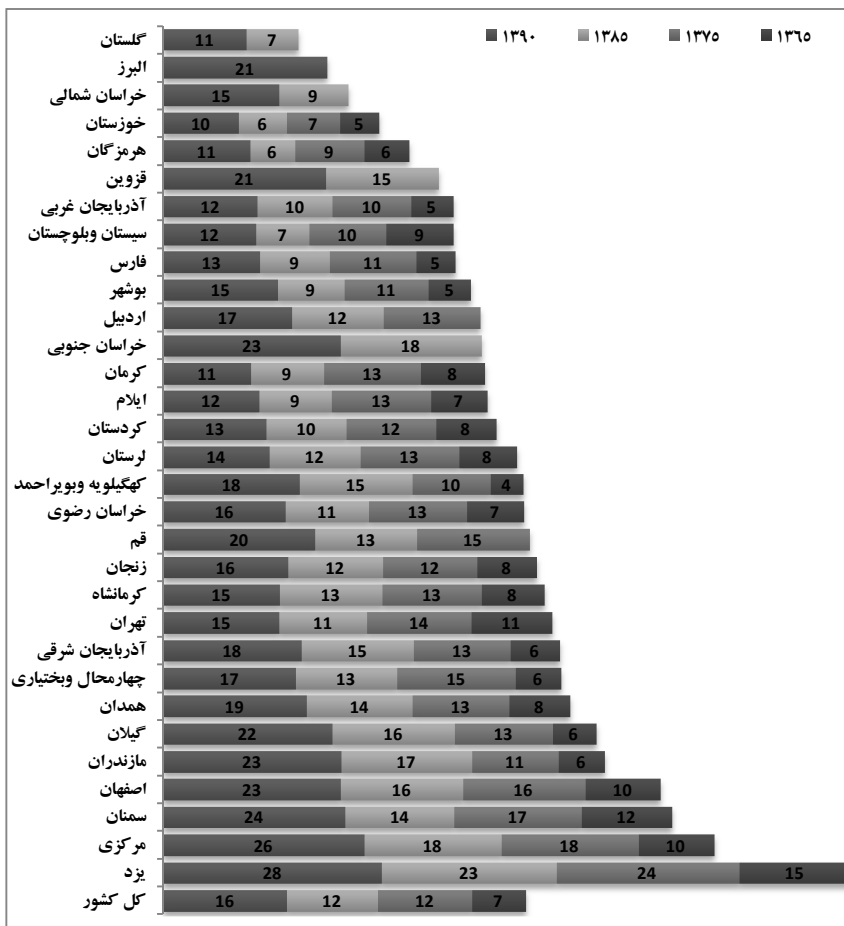


منبع: (سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۵)

با در نظر گرفتن نمودار ۴، ملاحظه می‌شود در سرشماری ۱۳۶۵ حدود ۷ درصد جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر در بخش کشاورزی نقاط روستایی سالخورده بوده‌اند که در دو سرشماری بعدی به ۱۲ درصد و در سرشماری ۱۳۹۰ به ۱۶ درصد افزایش یافته است. یعنی طی ۲۵ سال بیش از دو برابر شده است. این سالخوردگی جمعیت کشاورز در استان‌های مختلف وضعیت‌های بسیار متفاوتی را به خود اختصاص داده است. به طوری که استان یزد با متوسط ۲۲ درصد بیشترین درصد جمعیت شاغل سالخورده در بخش کشاورزی را طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵ داشته است و بعد از آن استان‌های مرکزی، سمنان و اصفهان قرار می‌گیرند. کمترین درصد سالخوردگی طی

دوره مذکور هم به ترتیب به استان‌های خوزستان، هرمزگان و آذربایجان غربی تعلق دارد. در زمینه افزایش شدت سالخوردگی، استان‌های مازندران، گیلان، مرکزی، یزد، کهگیلویه و بویراحمد و اصفهان بیشترین افزایش درصد سالخوردگی را طی چهار سرشماری اخیر داشته‌اند. استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان، تهران، خوزستان و ایلام نیز از کمترین افزایش سالخوردگی برخوردار بودند.

نمودار (۴) - درصد جمعیت سالخورده بخش کشاورزی نقاط روستایی طی سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۰

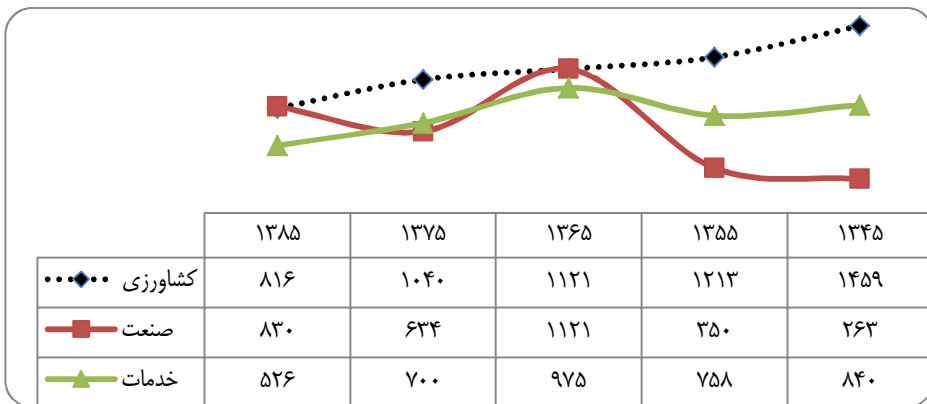


منبع: (محاسبه شده براساس داده‌های جداول ۱ و ۲)

نسبت جنسی نیروی کار کشاورزی مناطق روستایی

مطالعه نسبت جنسی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی طی سرشماری‌های ۸۵-۱۳۴۵ نشان می‌دهد در طی این دوره بر نسبت زنان شاغل در بخش کشاورزی افزوده شده است. در سرشماری ۱۳۴۵، در مقابل هر صد زن شاغل در بخش کشاورزی، تعداد ۱۴۵۹ مرد شاغل داشتیم که این تعداد برای سرشماری ۱۳۸۵ به ۸۱۶ نفر کاهش یافته است. نتایج به‌دست آمده از نمودار ۵ روند تدریجی زنانه شدن جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار مذکور ملاحظه می‌گردد، روند بیان شده برای دو بخش دیگر اقتصاد چندان مصداق ندارد. نکته جالب توجه اینکه، نسبت جنسی بخش صنعت روبه افزایش (مردانه شدن) بوده و برای بخش خدمات نیز نسبت به بخش کشاورزی، کاهش نسبت جنسی در طی دوره مورد بررسی روند کندی را داشته است.

نمودار(۵)- نسبت جنسی جمعیت شاغل بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۵



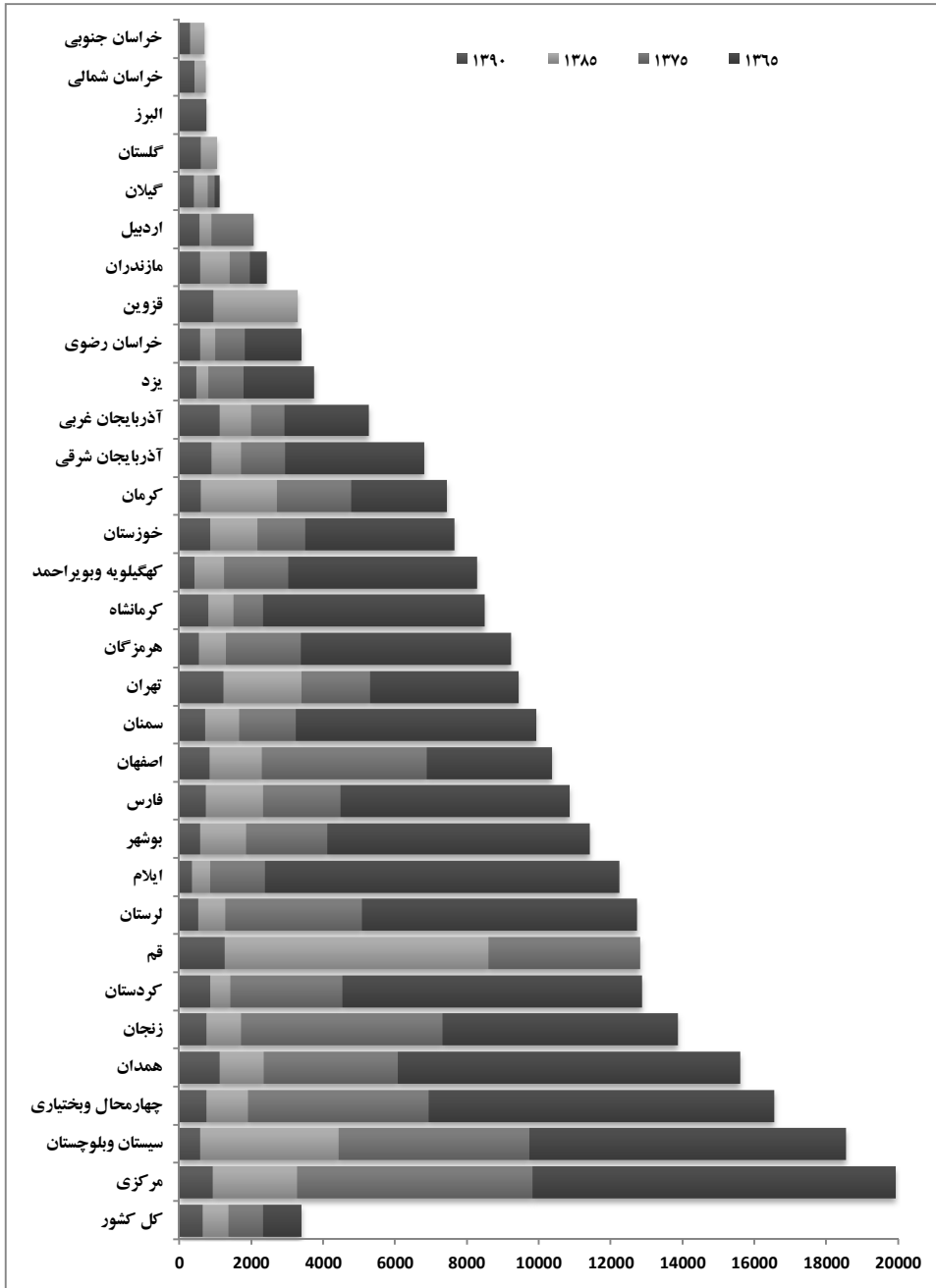
منبع: (سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۵)

باتوجه به نمودار ۶، نسبت جنسی نیروی کار کشاورزی در مناطق روستایی در سرشماری ۱۳۶۵ حدود ۱۰۶۰ بوده است که در سرشماری ۱۳۷۵ به ۹۶۰ در سرشماری ۱۳۸۵ به ۷۳۰ و در سرشماری ۱۳۹۰ به ۶۴۰ کاهش یافته است. ملاحظه می‌شود که در ۲۵ سال اخیر نسبت مشارکت زنان در مشاغل کشاورزی رو به افزایش بوده است. بیشترین نسبت جنسی در چهار سرشماری

اخیر به ترتیب مربوط به استان‌های مرکزی، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، همدان، زنجان و کردستان است، در حالیکه کمترین مقدار آن به استان‌های گیلان، مازندران، خراسان رضوی، یزد و آذربایجان غربی و شرقی اختصاص دارد. متفاوت بودن نسبت جنسی نیروی کار کشاورزی استان‌ها می‌تواند متأثر از عوامل چندی باشد که نوع فعالیت کشاورزی (زراعت، باغداری، جنگلداری، پرورش دام و طیور) و نوع کشت محصولات کشاورزی در نقاط روستایی (متناسب بودن برای قشر زنان)، فرهنگ حاکم در زمینه نگرش به مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی خانوار و بخش کشاورزی و نیز وضعیت مهاجرت مردان در نقاط روستایی، از آن جمله‌اند.

نکته قابل توجه در زمینه تغییرات میزان مشارکت زنان در نیروی کار کشاورزی استان‌ها طی سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۰، ویژگی خاص دو استان گیلان و مازندران است. برخلاف سایر استان‌ها، در این دو استان میزان مشارکت زنان طی ۲۵ سال اخیر روند کاهشی داشته است، درحالیکه برای سایر استان‌ها مشارکت زنان با شدت بیشتری رو به افزایش بوده است. بیشترین افزایش در سهم مشارکت زنان در نیروی کار کشاورزی مربوط به استان‌های ایلام، مرکزی، چهارمحال بختیاری، همدان و سیستان و بلوچستان است. کمترین آن نیز مربوط به استان‌های اردبیل، خراسان رضوی، آذربایجان غربی و یزد می‌باشد.

نمودار (۶) - سهم نسبت جنسی شاغلان بخش کشاورزی نقاط روستایی طی سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۰



منبع: (محاسبه شده براساس داده‌های جداول ۱ و ۲)

نکته مورد توجه در زمینه نسبت جنسی شاغلین بخش کشاورزی، سرعت بالای کاهش نسبت جنسی شاغلین سالخورده بخش کشاورزی در مقایسه با کل شاغلین این بخش است. قبلاً اشاره شد که نسبت جنسی شاغلین بخش کشاورزی در سرشماری ۱۳۶۵ حدود ۱۰۶۰ بوده که با تغییرات کاهشی ۴۰ درصد در سرشماری ۱۳۹۰ به ۶۴۰ رسیده است. در حالی که نسبت جنسی برای جمعیت شاغل ۶۵ ساله و بیشتر در سال ۱۳۶۵ حدود ۲۶۰۰ بوده است که با تغییرات کاهشی ۸۰ درصد در سرشماری ۱۳۹۰ به ۵۶۰ رسیده است. یافته‌های برآمده از جداول ۱ و ۲ نشان می‌دهد که در طی ۲۵ سال اخیر، مشارکت زنان ۶۵ ساله و بیشتر در بخش کشاورزی نسبت به سایر گروه‌های سنی زنان با روند رو به رشدی مواجه بوده است. بنابراین، در کنار افزایش سهم زنان در نیروی کار کشاورزی مناطق روستایی، باید توجه داشت سهم زنان سالخورده نیز با سرعت بیشتری رو به افزایش است.

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از اولین سرشماری نشان می‌دهد حدود ۹۵ درصد نیروی کار کشاورزی در نواحی روستایی ساکن بوده‌اند که در آخرین سرشماری به حدود ۸۰ درصد کاهش می‌یابد. در نتیجه، هرگونه تغییر و تحولی که بر روی نیروی کار کشاورزی صورت می‌گیرد، می‌تواند به‌طور مستقیم جامعه روستایی را تحت تأثیر قرار دهد. البته باید توجه داشت که برخلاف تصور عمومی، روستا در ایران صرفاً جایی برای انجام فعالیت‌های کشاورزی نیست. طی سه دهه اخیر، تنها ۵۰ درصد جمعیت شاغل روستایی در فعالیت‌های کشاورزی مشغول بودند. با کاهش احتمالی درصد فعالیت‌های کشاورزی نقاط روستایی در سال‌های آینده، عملاً ماهیت روستاها زیر سؤال خواهد رفت. روستا محیطی است که اکثر جمعیت آن از طریق فعالیت‌های کشاورزی امرار معاش می‌کنند. این تغییر ماهیت روستاها به‌واسطه کاهش سهم بخش کشاورزی، بیشتر در اثر هژمونی زندگی شهری و افزایش شهرگرایی در بین ساکنان روستایی از جمله جوانان روستایی است. این غلبه زندگی شهری در استان‌هایی که درصد شهرنشینی بالاتری دارند، به وضوح دیده می‌شود. در نقاط روستایی این استان‌ها، درصد بسیار کمتری از شاغلان به فعالیت‌های کشاورزی مشغول بوده و بیشتر به مشاغل صنعت و خدمات روی آورده‌اند. در کنار تغییر ماهیت روستاها و کاهش شاغلین بخش کشاورزی، تغییرات به‌وجود آمده در

ساختار سنی و جنسی (کیفیت) شاغلین بخش کشاورزی طی چهار سرشماری اخیر نیز می‌تواند پیامدهای منفی برای پایداری مناطق روستایی به‌همراه داشته باشد. سرعت سالخوردگی شاغلین بخش کشاورزی به مراتب بیشتر از سایر زیرگروه‌های جمعیتی بوده است. انتظار بر این است که درصد بسیار کمتری از شاغلین سالمند باشند. این درحالی‌ست که در سرشماری ۱۳۹۰ حدود ۱۶ درصد از شاغلین بخش کشاورزی سالخورده بوده‌اند. غلبه و تمرکز سالمندان در این بخش اقتصادی می‌تواند مناطق روستایی را از یک تحول اساسی و توسعه پایدار رو به جلو باز دارد.

از نکات مورد توجه دیگر در زمینه مقایسه نیروی کار کشاورزی طی چهار سرشماری اخیر، افزایش درصد مشارکت زنان (کاهش نسبت جنسی) در نیروی کار کشاورزی است. در حالی‌که این افزایش در سایر بخش‌های اقتصادی صورت نگرفته و مشارکت آنان روند ثابتی داشته است. با وجود اینکه افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی می‌تواند نقطه قوتی برای اقتصاد و فعالیتهای اجتماعی باشد، ولی بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد این مشارکت در بین زنان سالمند بسیار بیشتر بوده است. این افزایش زنان سالمند در امر فعالیتهای کشاورزی موجب تشدید فقر نیروی کار کشاورزی نواحی روستایی می‌گردد. با در نظر گرفتن موقعیت استان‌ها در مقوله‌ها و مسایل مطرح شده، عواملی که می‌توانند موجب فقر نیروی کار کشاورزی روستاها گردد و باید به آن توجه شود را در موارد ذیل می‌توان خلاصه نمود.

- عدم ماندگاری جوانان در مناطق روستایی و مهاجرت آنها به شهرها؛
- عدم تمایل جوانان روستایی به انجام فعالیتهای کشاورزی و روی آوردن‌شان به مشاغل شهری؛
- روی آوردن بازنشستگان سایر بخش‌های اقتصادی (بیشتر در اثر مهاجرت معکوس) به انجام فعالیتهای کشاورزی؛
- روی آوردن زنان سالمند سرپرست خانوار به فعالیتهای کشاورزی برای رفع نیازهای اقتصادی خود؛
- ساختارمند بودن برخی امورات کشاورزی برای زنان و به‌ویژه زنان سالمند. همانند فعالیتهای مربوط به کاشت و برداشت محصول برنج، وضعیتی که در دو استان مازندران و گیلان به‌وجود آمده است؛

- برنامه‌ریزی فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی بیشتر توسط کارشناسان و مدیران شهری و شهرنشین؛
 - غلبه سبک زندگی شهری به واسطه ارتباطات روز افزون بین شهر و روستا و برتری رسانه‌های تبلیغی شهرمحور.
- با محور قرار دادن این عوامل و برنامه‌ریزی در جهت حل این مسایل می‌توان مناطق روستایی را از یک رکود اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بازداشت و زمینه رونق و توسعه پایدار مناطق روستایی را فراهم نمود.

منابع

- ابراهیم پور، م. (۱۳۸۲)، **جمعیت و توسعه روستایی در ایران**، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی: دانشگاه تهران.
- ابریشمی، ح. (۱۳۷۵)، **اقتصاد ایران**، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضائیان، م. (۱۳۸۰)، "سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران، دلایل و پیامدها"، **اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال نهم، شماره ۳۶: ۲۳۵-۲۰۷.
- زاهدی مازندرانی، م. ج. (۱۳۸۳)، "ضرورت‌های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی"، **اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال دوازدهم، شماره ۴۵: ۶۷-۴۱.
- ژید، ش. و ریست، ش. (۱۳۴۷)، **تاریخ عقاید اقتصادی از فیزوکرات‌ها تا استوارت میل**، ترجمه کریم سنجابی، جلد اول، تهران: دانشکده اقتصاد و سازمان برنامه.
- شاکری، ع. (۱۳۸۳)، "جایگاه بخش کشاورزی در فرایند توسعه اقتصادی کشور"، **اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال دوازدهم، شماره ۴۸: ۱۳۷-۱۰۵.
- قاسمی اردهایی، ع. و نوبخت، ر. (۱۳۹۰)، "تحولات جمعیت‌شناختی نیروی کار در ایران طی دوره ۱۳۳۵-۱۴۰۰: تحلیل وضع سکونت، ترکیب جنسی و سنی و وضع تحصیلی"، **همایش تحلیل روند‌های جمعیتی کشور**، دانشگاه تربیت مدرس، ۲۹ و ۳۰ آذر ۱۳۹۰: ۲۵۸-۲۳۳.
- کریمی حسینیجه، ح. و عابدی، ع. ر. (۱۳۸۶)، "مهاجرت و تغییر در بهره‌وری بخش کشاورزی"، **ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران**، انجمن اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۵ آبان ۱۳۸۶.
- ماهر، ف. (۱۳۷۹)، **بررسی امکانات ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی**، مؤسسه پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- مرکز آمار ایران، **نتایج تفصیلی سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰**.

- Boserup, E. (1995), The Impact of Population Growth on Agricultural Output, *The Quarterly Journal of Economics*, N.6, Harvard University Trends.
- Coleman, D., and Schofield, R. (1986), *The State of Population Theory: Forward from Malthus*. New York: Basil Blackwell.
- Garikipati, S. (2006), *Feminization of Agricultural Labor and Women's Domestic Status: Evidence from Labor households in India*, ULMS, University of Liverpool.
- Ghasemi-ardahae, A., and Manafiazar, R.(2016), *Demographic Study of Urbanization in Iran, The 4th International Geography Symposium*, 23-26 May 2016, Kemer, Turkey: 826-839.
- Hutchinson, E. P.(1967), *The Population Debate: The Development of Conflicting Theories up to 1900*, New York.
- Marcoux, A.(2001), *Population Ageing in Developing Societies: How Urgent Are the Issues?* Rome, FAO, [http: www.fao.org](http://www.fao.org).